

والی غزنی، هم دزد هم صاحب خانه

چیز دیگری که بگونه بسیار ننگین و تعجب برانگیز در همین شب و روز واقع گردید این بود که وقتی گروه طالبان در هفته اول ماه نوامبر، بالای شهر غزنی چند موشک شلیک کردند، " موسی اکبرزاده " والی ولایت غزنی در برابر سؤال خبرنگار که بصورت مصور و مستند از طریق برنامه های تلویزیونی هم پخش گردید، اعتراف نمود که : " طالبان به اجازه و تقاضای او، دو راکت را به داخل شهر غزنی شلیک کرده اند. . . "

والی غزنی علاوه کرد : " این افراد طالبان، رفقایم میباشند و برای جلب آنها در روند صلح، این کار را کرده ام... " (یا علی العجب)

حادثه جالب و در عین حال خونین و ننگین دیگری که فقط مدت کوتاهی پس از شلیک موشکها بالای شهر غزنی رخ داد، سنگساریک مادر و دختر، به جرم " زنا " توسط گروه طالبان در ولایت غزنی بود. در این مورد نیز، " موسی اکبرزاده " والی غزنی در یک مصاحبه رسانه ای با صراحت اعتراف نمود که " من دستور سنگسار این دو تن را به طالبان داده ام... "



دست یکی از سنگسار شده هادر زیر آواری از سنگ

"خامه پرس" بتاريخ 29 ماه دسمبر 2013م نوشت که : " علی اکبر قاسمی عضو مجلس نماینده گان در نشست عمومی روز یک شنبه مجلس گفته است که ماموران امنیت ملی، چهارواسکت انتحاری را از منزل موسی خان اکبرزاده والی غزنی پیدا کرده اند... فردی بنام امان الله از اعضای شورای ولایتی غزنی قصد داشت موضوع را رسانه یی بسازد، اما والی غزنی او را تهدید کرده است ... پیش از این، آقای اکبرزاده متهم به همکاری با گروه طالبان شده بود، اما وی گفته بود که طالبان به او گفته اند که اگر فعالیت نکنند از طرف سر دسته های شان نکوهش میشوند، بنابراین، وی برای طالبان اجازه داده بود که هفته سه راکت به ولایت غزنی پراب کنند، اما طالبان بیشتر از سه راکت در هفته پرتاب کرده بودند..."

این، تنها نبود. رسانه های افغانستان در ماه فبروری 2015م، ضمن آنکه از قول یک منبع " امنیت ملی " افغانستان، خبردستگیری فردی بنام "عبدالقادر واحدی" مشاور والی غزنی را منتشر کردند، گزارش دادند که : " ... مشاور سرپرست {والی} ولایت غزنی اعتراف کرده که وی سخنگوی داعش در افغانستان بوده است ."

پس آیا کسی در درازنای تاریخ و در کدام گوشه دیگر جهان چنین حکومت دار و ولایت دار را دیده یا شنیده است که هم در نقش دزد و هم در موقعیت صاحب خانه قرار داشته باشد ؟ وقتی والی مذکور با صراحت میگوید که " طالبان رفقای من هستند"، دیگر، ماهیت اصلی وی و جریان توطئه ضد ملی آشکارا میگردد.



هنگامه پیمان استراتژیک با امریکا

در رابطه به عقد پیمان استراتژیک با ایالات متحده امریکا، همانطور که گفتیم، سرو صدا های زیادی در داخل افغانستان به راه افتید و اعتراضات مختلفی در حلقهات پارلمان، مطبوعات، جامعه مدنی و روشنفکری داخلی و رژیم های همسایه بروز نمود.

دولت کابل، برای آنکه بتواند از یکطرف زمینه های "توافق ملی" و شرایط "حقوقی" در داخل قلمرو افغانستان غرض امضای پیمان استراتژیک با ایالات متحده امریکا و تداوم مذاکره با گروه طالبان را مساعد سازد و از سوی دیگر، از شدت اعتراضات و نگرانی های کشورهای همسایه و منطقه از این ناحیه بکاهد، بتاريخ شانزدهم ماه نوامبر سال 2011 میلادی "لویه جرگه" یا مجلس بزرگ "مشورتی" را در شهر کابل، باز هم در بحبوحه ی تهدید ها، مخالفت ها و نا باوری های عامه دایر نمود. قرار گزارشهای رسمی، در این مجلس، به تعداد بیش از دوهزار نفر از مرکز و ولایات کشور به شمول اعضای کابینه، برخی از اعضای پارلمان و مجلس سنا، رهبران جهادی، علمای دینی، رهبران احزاب سیاسی، هیأت کوردپلوماتیک مقیم کابل و نماینده گان "آیساف"، "ناتو" و ... اشتراک ورزیدند و کار آن چهار روز ادامه یافت. حامد کرزی رییس جمهور افغانستان طی سخنرانی اش بمناسبت افتتاح این مجلس چنین گفت: "در صورتیکه منافع افغانستان در پیمان استراتژیک با امریکا تأمین شود، این کشور میتواند در افغانستان تأسیسات نظامی داشته باشد... اما به هیچ کشوری اجازه داده نمیشود تا از خاک افغانستان علیه کشور دیگری استفاده کند... امضای پیمان استراتژیک با امریکا به سود افغانستان است تا جامعه ی جهانی، این کشور را پس از سال 2014 تنها نگذارد... امریکا برای منافع خود خواستار امضای پیمان استراتژیک با افغانستان است و افغانستان نیز باید دنبال منافع خود در این رابطه باشد... ما تثبیت حاکمیت ملی خود را به هر عنوان میخواهیم و از امروز میخواهیم... رابطه ی دراز مدت میان افغانستان و امریکا باید رابطه میان دو کشور مستقل باشد که منافع هر دو

کشور در آن تأمین شود... هم با بریتانیا، هم با اروپا، هم با ناتو و هم با امریکا حاضر هستیم و خوشحال هستیم که پیمان استراتژیک داشته باشیم..." (297)

اعضای این جرگه، پس از آنکه صبغت الله مجددی را بحیث رییس جرگه انتخاب کردند، کلیه افراد اشتراک کننده را به چهل کمیسیون منقسم نمودند تا هر کدام آنها، پیرامون دو هدف (امضای پیمان با امریکا و ادامه ی مذاکره با گروه طالبان) به مشوره بپردازد و در نهایت، نظرات هر کمیسیون، توسط رییس آن در جمع عمومی قرائت شود. نتیجه آن بود که اعضای جرگه، با اتفاق هم، همانطور که تدویر این جرگه یا مجلس مشورتی را از قبل تأیید نموده بودند، علاوه از آنکه به حکومت افغانستان "مشوره" دادند تا پیمان استراتژیک مورد نظر را با ایالات متحده به امضا برساند و با گروه تروریستی طالبان به مذاکره بپردازد، (چیزیکه دقیقاً از سوی آگاهان و تحلیلگران سیاسی قابل پیشبینی بود)، فشرده قطعهنامه که در پایان این نشست صادر شد، چنین بود :

* به مقدسات دینی و عنعنات مردم افغانستان بدون هیچ نوع کوتاهی احترام گذاشته شود.
* قوانین افغانستان احترام و رعایت گردد.

* سند همکاریهای استراتژیک به سه زبان دری، پشتو و انگلیسی ترتیب و در شروع آن، بسم الله الرحمن الرحیم تحریر گردد .

* رهبری تمام عملیاتها باید به عهده نیرو های امنیتی افغانستان باشد. نیرو های امریکایی باید از عملیاتها خود سرانه و بدون هماهنگی با نیروهای امنیتی افغانستان خود داری نموده و به حاکمیت ملی کشور احترام نماید.

* زمان انفاذ همکاریهای استراتژیک به زود ترین فرصت و پس از امضای سند شروع گردد.

* ایالات متحده تعهد نماید که به ساختار های موازی به حکومت جمهوری اسلامی افغانستان خاتمه داده و نهاد های رسمی حکومتی را در پیشبرد وظایف محوله شان همکاری نماید.

* امریکا نمیتواند در امور مربوط به شورای ملی، ساختارهای سیاسی و امور قضایی افغانستان مداخله نماید و یا در خاک افغانستان زندان داشته باشد. بنابراین، مسئولیت تمام زندانهای امریکایی که در قلمرو افغانستان وجود دارد به اسرع وقت با تمام زندانیان آن به حکومت افغانستان سپرده شود.

* امریکا در قسمت احیا، تعلیم، تجهیز و تسلیح قوای هوایی کشور اقدام عاجل نماید.

- * امریکا باید در مورد آماده ساختن بورسیه ها و زمینه های تحصیلات عالی در رشته های مختلف تعهدات مشخص داشته باشد.
- * برای حصول اطمینان از همکاریهای استراتژیک ، سند مورد نظر باید در سازمان ملل ثبت شود و از آنها تعهد گرفته شود که همکاریها و امور تعهد شده از سوی امریکا در وقت معین آن عملی میگردد.
- * درسند باید ذکرگردد که در صورت حمله کد ام کشور دیگر بالای افغانستان، امریکا در پهلوی افغانستان ایستاده میشود.
- * امریکا باید ضمانت نماید که افغانستان به صحنه رقابتهای سیاسی مبدل نمیگردد.
- * سند همکاریهای استراتژیک توسط متخصصین دقیقاً ارزیابی، تجزیه و تحلیل شود.
- * افغانستان و امریکا به صورت مساویانه حق فسخ سند همکاریها را داشته باشند.
- * با امضای این سند، اسناد و قرار داد هایی که در دوران حکومت موقت، انتقالی و دوره اول حکومت انتخابی افغانستان به امضا رسیده است، لغو گردد.
- * امریکا افغانستان را بنا به درخواست خود افغانستانی ها در دفع تجاوزات خارجی و بر اساس اصول پذیرفته شده بین المللی، همکاری به موقع نماید.
- * نیرو های نظامی امریکا در تأسیسات نظامی شان در زیر بیرق افغانستان زندگی نموده و به قانون اساسی کشور احترام نمایند.
- * امریکا باید زمینه آن را مساعد سازد تا حکومت افغانستان بتواند از سرحدات خود به صورت مؤثر حفاظت نماید.
- * سند همکاریهای استراتژیک با امریکادرحد یک پیمان یا موافقتنامه باشد نه اعلامیه یا چیزی کمتر از پیمان و موافقتنامه.
- * درارتباط با همکاریهای دفاعی و امنیتی امریکا با افغانستان و استفاده ازتأسیسات نظامی کشور اکنون و پس از سال 2014، حکومت افغانستان باید اصول نافذ بین المللی را رعایت نماید. تعداد و نوعیت تأسیساتی که امریکا خواهان آن است، هم اکنون تعیین گردد.
- * ترجیح داده شود که این تأسیسات در نزدیکی سرحدات افغانستان با کشور های همسایه، بخصوص با کشور هایی که افغانستان از آن جا تهدید میشود، قرارگرفته شود.
- * امریکا نمیتواند از این تأسیسات برای تقویت مخالفین استفاده کند. "

آگاهان سیاسی در عین حال، تدویر این جرگه را ترفندی از سوی حکومت حامد کرزی در جهت بدست آوردن تأییدی اشتراک کننده گان پیرامون خواسته‌های امریکا دانستند. مقالات، تحلیل‌ها و تبصره‌های زیادی از طریق رسانه‌های افغانی در داخل و خارج افغانستان، بویژه راجع به زیان‌های ملی و سیاسی آن به نشر رسید و تظاهرات نسبتاً وسیعی از سوی هواداران "تنظیم" های اسلامی، شاگردان و محصلان معارف در کابل، جلال آباد، هرات و جا‌های دیگر، به ضد امضای این قرار داد به راه انداخته شد و حتا عده‌ی از علما و روحانیون افغانستان چنانکه قبلاً نیز تذکررفت، ضمن سخنرانی‌ها و صدور اعلامیه‌های شان، امضای پیمان استراتژیک با امریکا و تأسیس پایگاه‌های نظامی آن کشور در افغانستان را "حرام" و خلاف قوانین اسلام خوانده علاوه نمودند در صورتیکه این پیمان به امضا برسد، آنها دست به "شورش" خواهند زد. در همین شب و روز و در قبال چنین مخالف ورزیها، ادعاهایی از سوی بعضی افراد و منابع سیاسی در کشور صورت گرفت مبنی بر اینکه دست‌منابع اطلاعاتی رژیم‌های جمهوری ایران و حکومت پاکستان در درون چنین اعتراضها قویاً دخیل میباشد. جالب این بود که بعضی از رهبران احزاب سیاسی غیرمذهبی پاکستان، تأیید و خوشبینی‌شان را در قبال تدویر "جرگه مشورتی" کابل ابراز نموده و سیاست‌های ضد افغانی مقام‌های پاکستان را به باد انتقاد گرفتند. مثلاً، "مختارخان یوسفزی" رهبر حزب پختونخواه ملی عوامی پاکستان و "هاشم مختار" معاون حزب عوامی نشنل پارتی، خوشنودی‌شان از تصامیم و فیصله‌های جرگه را تبارز داده حضور نیروهای خارجی در خاک افغانستان را "یک نیاز جدی" خواندند.

آنچه جالب بود، این بود که حامد کرزی طی جلسات "لویه جرگه" با صراحت گفت که "با همه کشورها راجع به امضای قرارداد امنیتی صحبت کرده، همه به انجام اینکار موافق بودند. فقط یک کشور موافق نبود و آن جمهوری اسلامی ایران است"



نمایی از افتتاح " لویه جرگه " یا مجلس مشورتی در کابل به روز شانزدهم ماه نوامبر 2011م

بهرحال، درقبال آنهمه سر و صدا های سیاسی مبنی برتأسیس پایگاه های نظامی امریکا در خاک افغانستان، نشریه انترنتی " امید وطن " نیزمطلبی را بصورت اختصاصی درهمین زمینه به نشر سپرد که اینک، غرض روشن شدن برخی ازگوشه های سوال برانگیز این اقدام مهم و چگونه گی نظرات افراد و منابع ملی و روشنفکری افغانستان درآن مورد، اصلی مطلب را بدون کم و کاست در اینجا نقل میکنیم :

" علی رغم گفت و گوهای امریکا با گروه طالبان در قطر، آنچه که در داخل افغانستان در حال جریان است، فعالیت های گسترده نظامیان و مهندسین امریکایی به منظور ایجاد پایگاه های نظامی امریکا درچند منطقه مهم و استراتژیک است . اگرچه ایجاد پایگاه ها اصولاً بعد از امضای پیمان راهبردی میان امریکا و حکومت افغانستان باید عملی شود، ولی امریکایی ها بدون توجه به این مسأله، محل های ایجاد این پایگاه ها را از قبل مشخص کرده و محدوده جغرافیایی این محلات را پس از نقشه برداری های لازم تعیین نموده اند. قرار است این پایگاه ها در ولایت های قندهار، هلمند، حوالی شهرمزارشریف، جلال آباد، خوست و شیندند هرات ایجاد شود. تیم های مهندسی وزارت دفاع امریکا از هفته ها قبل، کارهای مقدماتی را در این ولایات بطور آرام وبدون سر و صدا و به دور از چشم خبر نگاران، مطبوعات و رسانه ها آغاز کرده اند. این اقدام امریکایی ها بدان معناست که سران کاخ سفید اولاً درزمینه احداث پایگاه های نظامی درافغانستان کاملاً مصمم اند و ثانیاً پیمان استراتژیک میان کابل

و واشنگتن از نظر آنها یک پیمان سمبولیک و پیشاپیش امضا شده تلقی می‌گردد. امریکایی‌ها با رفتار مستکبرانه‌ای که در افغانستان در پیش گرفته‌اند، اهمیت چندانی به مخالفت‌های مردم، حکومت و پارلمان افغانستان در این زمینه قایل نیستند. تصمیم امریکا برای ایجاد پایگاه‌های نظامی در افغانستان از لحاظ اصول و توافقاتی که فی‌مابین دو کشور انجام شده است تنها زمانی امکان پذیر است که حکومت‌های دو کشور در مورد آن رسماً توافق کرده و پارلمان افغانستان نیز آنرا تصویب کرده باشد، در غیر اینصورت، هرگونه اقدام یکجانبه امریکایی‌ها حتی با قوانین خود آن کشور نیز مغایرت داشته و آشکارا یک اقدام اشغالگرانه تلقی می‌شود. یکی از بند‌های مهم سندی که به پیمان نظامی و دراز مدت استراتژیک میان امریکا و افغانستان شهرت یافته است، به ایجاد پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در قلمرو افغانستان اختصاص دارد، اما هنوز دو کشور در مورد برخی از جزئیات این سند ظاهراً به توافق نرسیده‌اند و در صورتی هم که حکومت افغانستان با آن موافقت کند، محتویات سند و پیمان متذکره تنها زمانی قابل اجراست که پارلمان افغانستان آنرا به تصویب برساند. در افغانستان، اکثریت مردم و بیشتر اعضای مجلس نمایندگان با امضای چنین پیمانی مخالف‌اند و ایجاد پایگاه نظامی امریکا در کشور را مغایر امنیت و استقلال افغانستان دانسته و معتقد‌اند که هرگاه چنین رویداد ناگواری اتفاق بیفتد، نه تنها جنگ و خشونت در افغانستان، همچنان حتی بیشتر از گذشته ادامه خواهد یافت، بلکه افغانستان به معنای وسیع کلمه، به یک مستعمره امریکایی تبدیل خواهد شد. . .

مطالعه تاریخ گذشته افغانستان نشان می‌دهد که این گونه پیمان‌ها و معاهدات اشغالگرانه که جاده صاف کن لشکر بیگانگان در کشور می‌باشد، همواره بعنوان یک خیانت ملی تلقی گردیده و افغانها از آن با نام معاهدات و پیمان‌های ننگین یاد کرده‌اند. پیمان استراتژیک با امریکا که هدف از آن ایجاد پایگاه‌های نظامی آن کشور در افغانستان است، چیزی شبیه به " معاهده گندمک " و معاهده خفت بار " دیورند " در قرن نوزدهم است که اولی توسط امیر محمد یعقوبخان و دومی توسط امیر عبدالرحمن خان با انگلیسها به امضا رسید. . . اکثر کارشناسان افغان براین باوراند که پافشاری امریکا در مورد ایجاد پایگاه نظامی در افغانستان، برخاسته از اهداف پنهانی و پشت پرده امریکایی‌ها در منطقه‌ی ماحول افغانستان است. آنها می‌خواهند با برقراری یک صلح نیم بند طالبانی و یا تجزیه افغانستان به دو کشور جداگانه، از این سرزمین بعنوان یک تخته‌ی خیزبرای مداخله در کشورهای ماحول افغانستان استفاده کنند. به گفته کارشناسان، هشتاد درصد از اهداف امریکایی‌ها از سیاست پایگاه سازی در افغانستان، جنبه‌های بیرونی و فرا مرزی دارد و می‌خواهند با تثبیت حضور دراز مدت خود در افغانستان، این کشور را به یک ژاندارم امریکایی در منطقه تبدیل کنند. تسلط بر منابع عظیم نفت و گاز آسیای

مرکزی، ایجاد یک " نقطه تهدید" علیه ایران و راه اندازی فعالیتهای خرابکارانه نظامی و استخباراتی علیه این کشور و تبدیل کردن افغانستان به برج دید بانی علیه روسیه و چین و مهار کردن این دو قدرت بزرگ منطقه ای از جمله اهداف اساسی و راهبردی امریکاست. تسلط بر منابع عظیم نفت و گاز آسیای میانه و ایجاد یک منطقه تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران، برای اهداف استراتژیک و توسعه طلبانه امریکا در منطقه در مقایسه با سایر هدف های واشنگتن، اهمیت اساسی و درجه یک دارند. به این صورت، هرگاه روند نا میمون پایگاه سازی امریکا در افغانستان تحقق پذیرد، نه تنها امنیت پایدار و قابل اعتماد در افغانستان برقرار نخواهد شد، بلکه تمام مساحت جغرافیای این منطقه که افغانستان نیز جزوی از آن است، با یک بحران عمیق و دراز مدت و چالشهای خطرناک و غیر قابل کنترل مواجه خواهد شد. " (298)

گروه طالبان که قبل از تدویر جرگه، اخبارهایی به نشر رسانیده و حتا ادعا کرده بودند که نقشه مربوط به ترتیبات امنیتی جانب دولت را در دست دارند، پیش از آنکه نماینده ها به نشست رسمی بپردازند، یک و دو موشک بسوی محل برگزاری جرگه شلیک کردند که تلفاتی در قبال نداشت، و اما، مقام های امنیتی کشور با انتشار گزارشهایی، ادعا کردند که سازمان جاسوسی ارتش پاکستان میخواست این جلسات را اخلاص کند، ولی آنها موفق شدند از آن جلوگیری بعمل آورند. چنانکه " تورن جنرال شهیم" فرمانده فرقه ی نمبر (111) کابل طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت که " نه تن به شمول یک عضو سازمان استخبارات پاکستان (آی.اس.آی) را که قصد اخلاص لویه جرگه ی عنعنوی را داشتند دستگیر کرده اند. " جنرال مذکور همچنان گفت که " دو روز قبل از برگزاری جرگه، دو فرد مجهز با واسکت های انتحاری را که قصد عملیات را داشتند، در ساحه ی پلچرخ دستگیر نمودند... پنج تن دیگر را در ساحه ی ارغندی بالا و یک تن را در ساحه ی خاک جبار کابل با یکمقدار سلاح، مهمات و لباس اردو و پولیس ملی دستگیر کردند. " (299)